

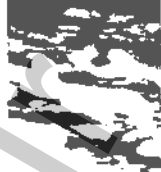


شورا در فتوا

حمید شهریاری



www.ketab.ir



شورا در فتوا

حمید شهریاری

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه: پژوهشکده فقه و حقوق
- ویراستار: ابوالقاسم آرزومندی
- لیتوگرافی و چاپ: باقری
- چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۶
- شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۴۴۰۰ تومان

همة حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه آمار، پلاک ۴۲

تلفن و دورنگار: ۷۸۲۲۸۳۳، پخش: قم ۷۸۲۲۸۳۴؛ تهران ۵-۰۳-۸۸۹۴۰۳۰۳

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸، کدپستی: ۱۶۴۳۹-۳۷۱۵۶

وب سایت: www.isca.ac.ir

پست الکترونیک: nashr@isca.ac.ir

شهریاری، حمید، ۱۳۴۲ -

شورا در فتوا / حمید شهریاری، - قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

ص ۴۱۲

۲۴۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-2636-00-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه [۲۹۷] - ۳۰۴، همچنین بصورت زیر نویس.

نمایه.

۱. اجتهاد و تقلید - تحقیق، ۲. شورا، ۳. فتوا، ۴. مرجعیت، الف. پژوهشکده فقه و حقوق، ب. پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج. عنوان.

۲۹۷/۳۱

ش ۹ / ش ۱۶۷ / BP

۱۳۸۵



فهرست

۹	سخنی با خواننده
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: نقش شورا و مشورت در صدور فتوا
۲۱	مفهوم شورا و مشورت
۲۴	۱. معنای لغوی
۳۲	نتیجه‌گیری
۳۲	۲. دلالت قرآن بر شورا و مشورت در فتوا
۳۲	الف) سوره شورا، آیه ۳۸
۳۳	مقدمه اول
۳۶	مقدمه دوم
۳۸	مقدمه سوم
۴۴	ب) سوره آل عمران، آیه ۱۵۸
۴۶	مقدمه اول
۴۷	مقدمه دوم
۴۷	مقدمه سوم
۴۸	مقدمه چهارم
۵۱	ج) آیات دیگر
۵۳	۳. شورا و مشورت در روایات

۵۳	دسته اول
۵۶	دسته دوم
۵۹	دسته سوم
۶۳	دسته چهارم
۶۸	۴. شورا و مشورت در بنای عقلا
۶۹	الف) بنای عقلا در مورد مشورت
۷۲	ب) بنای عقلا در مورد شورا
۸۵	فصل دوم: بررسی ادله اجتهاد و تقلید و نسبت آن با شورای فتوا
۸۵	۱. آیات
۸۵	الف) آیه سؤال
۸۶	مقدمه اول
۹۲	مقدمه دوم
۹۴	مقدمه سوم
۹۶	تطبیق آیه بر حجیت فتوای شورای فقهی
۹۷	ب) آیه نفر
۱۰۴	تطبیق آیه بر حجیت فتوای شورای فقهی
۱۰۵	۲. روایات
۱۰۵	دسته اول: ارجاع به عنوانی عام
۱۰۵	روایت اول: راویان حدیث ما
۱۱۴	روایت دوم: پیر در حُب ما
۱۱۶	وجه استدلال به این دسته از روایات برای حجیت شورا
۱۱۸	دسته دوم: ارجاع به افراد خاص
۱۱۸	روایت اول: ارجاع به عثمان بن سعید و پسرش
۱۲۲	روایت دوم: تأیید افتای معاذ بن مسلم نحوی
۱۲۴	روایت سوم: امر به قثم بن عباس
۱۲۴	روایت چهارم: ارجاع به محمد بن مسلم ثقفی
۱۲۵	روایت پنجم: ارجاع به حارث بن مغیره
۱۲۶	روایات دیگر: زکریا بن آدم و یونس بن عبد الرحمن
۱۲۹	وجه استدلال به این دسته از روایات برای حجیت شورا

۱۲۹ دسته سوم: دلالت التزامی برخی روایات
۱۳۳ وجه استدلال به این روایات برای حجیت شورا
۱۳۶ ۳. دلیل عقلی
۱۳۷ ۴. بنای عقلا
۱۳۸ بحث اول: دلیل عامی بر تقلید
۱۴۱ بحث دوم: دلیل مجتهد بر تقلید
۱۴۱ وجه استدلال به سیره برای حجیت قول اکثر اهل خبره
۱۴۴ امضای سیره عقلا
۱۴۵ جواب اول
۱۴۶ جواب دوم
۱۴۸ جواب سوم
۱۴۹ جواب چهارم
۱۴۹ مقدمه اول
۱۴۹ مقدمه دوم
۱۵۵ مقدمه سوم
۱۵۷ نتیجه گیری
۱۶۵ فصل سوم: اختلاف فتاوا
۱۶۵ مقدمه
۱۶۶ ۱. صورت تساوی مجتهدان
۱۶۶ الف) بررسی ادله تخیر
۱۶۷ دلیل اول: اجماع
۱۷۳ دلیل دوم: اطلاق ادله حجیت
۱۸۱ دلیل سوم: اطلاق ارجاع ائمه به افراد خاص
۱۸۷ دلیل چهارم: فحوای اخبار تخیر در روایات متعارض
۱۸۹ دلیل پنجم: بنای عقلا
۱۹۰ نتیجه گیری
۱۹۰ ب) بررسی ادله و نتایج تساقط
۱۹۶ ۲. شرط علمیت
۱۹۸ الف) تاریخچه بحث

۲۱۵ (ب) بررسی ادله
۲۱۶ ۱. ادلة ترجیح قول اعلم
۲۱۶ دلیل اول: اخبار
۲۱۶ روایت اول: مقبوله عمر بن حنظله
۲۲۵ روایت دوم: حدیث داود بن حصین
۲۲۶ روایت سوم: حدیث موسی بن اکیل نمیری
۲۲۷ روایت چهارم: عهدنامه به مالک اشتر
۲۲۸ دلیل دوم: اجماع
۲۳۰ دلیل سوم: اقرب و اقوا بودن
۲۴۲ دلیل چهارم: بنای عقلا
۲۴۷ دلیل پنجم: دوران امر بین تمین و تخییر
۲۴۹ ۲. ادلة تخییر
۲۴۹ دلیل اول: اطلاق ادلة لفظی
۲۵۱ دلیل دوم: فحوای اخبار تخییر
۲۵۲ دلیل سوم: اطلاق مقامی
۲۵۵ دلیل چهارم: دشواری های شرط اعلمیت
۲۶۳ ۳. بررسی ادله و نتایج تساقط
۲۶۴ نتیجه گیری
۲۶۴ ۳. اختلاف نظر از دیدگاه اسلام
۲۸۰ نتیجه گیری
۲۸۱ خاتمه
۲۸۱ مقدمه
۲۸۵ پیشنهاد عملی
۲۸۶ الف) انتخاب اعضا
۲۹۰ ب) نحوه عملکرد
۲۹۱ ج) ارتباط با ولایت
۲۹۷ کتاب نامه
۳۰۴ منابع دیگر
۳۰۵ نمایه

سخنی با خواننده

اجتهاد، افتا و مرجعیت در اندیشه شیعه جایگاه خاصی دارد. زنده و به روز بودن اجتهاد شیعی باعث نشاط بیشتر آن نسبت به اجتهاد سنی، و به تبع آن، سبب غنای بیشتر کتب فقهی شیعه از حیث تضارب آرا و نقض و ابرام‌های ادله احکام گشته است. محصول نهایی این تضارب آراء، به صورت فتاوی فقهی در رساله‌های عملیه ارائه می‌شود و مردم از طریق عمل به آنها وظیفه خود را نسبت به احکام اسلام عملی می‌کنند.

در گذشته که ارتباطات و تبادل اطلاعات به سرعت و گستردگی عصر حاضر نبود، نه تنها غالب مردم تنها از آرای یک مجتهد آگاه بودند، مجتهدان نیز به طور دقیق و سریع از آرای یک‌دیگر باخبر نمی‌شدند؛ اما اکنون در عصر ارتباطات و اطلاعات، همگان به آسانی می‌توانند از آرای همه مجتهدان آگاه شوند. این امر باعث می‌شود فاصله علمی مجتهدان کمتر و شناخت اعلم مشکل شود. از سوی دیگر، تعدد مراجع اعلم و اختلاف فتاوی آنان ممکن است مشکلات فرهنگی و گاه شبهات کلامی و حتی بازتاب‌های منفی فرامذهبی را به بار آورد.

آیا برای نهاد مرجعیت راهی وجود دارد که هم از دست‌آوردهای مثبت عصر ارتباطات بهره‌جوید و هم از پی‌آمدهای منفی آن در امان بماند؟

شورا در فتوا یا افتای شورایی پاسخ کتاب حاضر است. بی گمان مقصود از شورا در فتوا آن نیست که فقها برای افتا با یکدیگر مشورت کنند و هر یک فتوایی دهند؛ بلکه مقصود این است که همه آنان یک فتوا دهند و این جمع به لحاظ حیثیت جمعی خود مرجع مردم باشد.

سؤال‌هایی چون: آیا فتوای حاصل از این شورا معیار حجیت برای تقلید را داراست؟ ارتباط معیار حجیت این فتوا با معیار حجیت فتوای اعلم چیست؟ معیار فتوای حاصل از این شورا بر اساس اکثریت کمی است یا کیفی یا تلفیقی؟ ارتباط سایر مجتهدان با این شورا و نیز ارتباط ولی فقیه با آن چگونه است؟ با وجود این شورا، تکلیف دیگر شئون مرجعیت - غیر از افتا - چه می‌شود؟ تأثیرات جامعه شناختی این شورا چیست؟ و ده‌ها سؤال دیگر باعث شده است این موضوع از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار باشد.

پژوهش حاضر دارای نکات ارزشمند و عالمانه‌ای است که کمتر بدان پرداخته شده، اما باید اذعان داشت تازگی و گستردگی جوانب موضوع، مطالعاتی گسترده‌تر و پژوهش پرمه‌ن‌تری را می‌طلبد. می‌توان گفت شورا در فتوا بایستی جدید را بر روی پژوهشگران این عرصه می‌گشاید تا در آینده با تعمیق بیشتر، ابعاد شفاف‌تر و نتایج کاربردی به این مبحث پرداخته شود.

پژوهشکده ضمن تقدیر و تشکر از محقق محترم، از حجج اسلام والمسلمین آقایان: رضا اسلامی، محمد رضا ضمیری، حسین اشکوری و عندلیب که در روند ارزیابی و اصلاح این پژوهش سهمی در خور داشته‌اند و نیز از حجة الاسلام والمسلمین آقای علی اکبریان که در جایگاه مدیر گروه دانش‌های وابسته به فقه، ملاحظات سازنده‌ای ارائه دادند، کمال سپاس‌گزاری را به عمل می‌آورد.

احمد مبلقی

مدیر پژوهشکده فقه و حقوق

پیش‌گفتار

کتابی که پیش روی خوانندگان است، حاصل پژوهشی است که مباحث آن طی مدت سه سال، از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۴، سامان یافت و وقت مفید نگارنده را به خود اختصاص داد. پس از اقبال برخی از دوستان، که از نگارش این رساله اطلاع داشتند و متقاضی نسخه‌ای از آن بودند، متن پیشین، برای چاپ اثر، مورد بازبینی و بازخوانی قرار گرفت: متون و اصطلاحات عربی آن به فارسی ترجمه و تبدیل شد، برخی از مطالب آن به اقتضای گذر حدود ده سال از نگارش اولیه آن مجدداً ویرایش شد و نگارش آن تا حدودی با سلیقه کنونی نگارنده تطبیق یافت. طی این سال‌ها برخی از اساتید گرامی و دوستان عزیز، که متن اولیه را خوانده بودند و نیز عزیزانی که در پژوهشکده فقه و حقوق مسئولیت ارزیابی اثر را بر عهده داشتند، اشارات و تنبیهات سودمندی ارائه کردند. نگارنده سعی بلیغی نمود تا این تذکرات را مد نظر قرار دهد و هر جا ضروری می‌نمود، در مطالب آن تغییراتی داد. از این جهت، همه این عزیزان حقی عظیم بر نگارنده سطور دارند که از ایشان تشکر می‌شود.

باید اذعان کرد هر چند نگارش اولیه دست‌خوش تغییراتی شد، خمیر مایه اصلی و نگارش بدوی هم‌چنان روحی حاکم بر این اصلاحات داشت و نگارنده

نیز گرچه در برخی از موارد جزئی، نظری متفاوت پیدا کرده بود، اعمال پاره‌ای تغییرات را مناسب روال منسجم آن ندید و آنها را به حال خود فروگذارد تا پس از بازخوردهای اولیه نشر این اثر و نقد و نظرهای احتمالی آتی به آنها پردازد. امید است که همه محققان و فقه آگاهان با نظری مساعد به این نگارش بسنگرند و اشکال‌ها و خطاهای آن را با تقد‌های سودمند یا تذکرات مفیدشان، به نگارنده گوشزد کنند.

در این جا لازم می‌دانم از استاد عزیز و گرامی خویش حضرت آیه الله سیدکاظم حائری، که بخش‌هایی از رساله اولیه را مطالعه کردند و تذکراتی بسیار مفید به این جانب دادند و حقیر نیز در مراحل یادگیری خویش از محضر درس و نیز رساله‌های مدوّن ایشان استفاده‌های بسیاری برده‌ام، تقدیر و تشکر کنم. هم چنین از مسئولان پژوهشکده فقه و حقوق تشکر می‌کنم که فضا و مجالی واسع برای تدوین مجدد این اثر در اختیارم قرار دادند و با محبت فراوان دیدگاه‌های این جانب را اعمال داشتند. از خداوند برای همه ایشان رحمت، سلامت و توفیق روزافزون خواهانم.

حمید شهریاری

مقدمه

آنچه پیش روی داریم، سخنی است دربارهٔ مقام منیع و شامخ مرجعیت و فتوا که در بلندای تاریخ شیعه چون دژی مستحکم سر بر آسمان برافراشته تا پاسداری از گوهر وحی و دیانت را بر عهده گیرد. مراجع بزرگ همواره کوشیده‌اند تا در تنگناهای مختلف ادوار تاریخ، از خفقان دولت عباسی گرفته تا حمله ددمتشانه مغول و سپس در عصر استعمار و اینک در دنیای جدید، از این قلعه حصین محافظت کنند و در راه آن با مبارزهٔ رو در رو یا پنهانی با طواغیت عصر خود حتی جان خود را بر طبق اخلاص گذاشتند و برای حفظ حریم دین به میدان مبارزه و نبرد گام نهادند. آنان در هنگام مهادنت نیز همواره پیکان قلم خود را بر قلب ظلم و استعمار نشانه گرفته و در مواقع مناسب، ضربات سهمگینی بر پیکر آن وارد آورده‌اند.

شیعیان همواره می‌دانستند که به هنگام بروز مشکلات فکری و عملی چه فردی بایسته استفتا و شایسته فتواست. در کنار کتاب‌های ارزش‌مندی که در زمینه‌های مختلف علوم آل‌البیت علیهم‌السلام به رشته تحریر در آمده است، همواره کتاب‌ها یا رسائلی با نام «اجوبة المسائل» به چشم می‌خورد که نشانهٔ این درک عمیق از سوی متعهدان به مکتب ولایت است. اینک نیز با مراجعه به کتبی که با نام

«رساله احکام» معروف و مشهور بین عام و خاص است. می‌توان به آرا و انتظار فقها و مراجع عصر کنونی دست یافت.

هر چند فتوا و استفتا در کنار دیگر نهادهای اجتماعی قرار دارد، تأثیر به سزایی هم در این نهادها داشته است. با رجوع به تاریخ به راحتی می‌توان به این مسئله پی برد، چه از کوچک‌ترین مسائلی که هر روز در کوچه و برزن اتفاق می‌افتاده، چون: خرید و فروش، قرض، اجاره تا مسائلی مانند: استعمال تنباکو و سیگار و مسائلی بزرگی چون: جهاد و جنگ با کفار، همه و همه از اموری است که نهاد اجتماعی فتوا در آنها تأثیرات عمیق و عمده‌ای داشته است.

اصولاً اگر ما معتقدیم که هر فعلی از افعال بشر، در لوای یکی از احکام پنج‌گانه واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح قرار می‌گیرد و اگر ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) این لوا را به دستان با اقتدار عالمان برجسته دینی سپرده‌اند که مردم را با استعانت از حوزه اخلاق نیک، عقاید صواب و تبعیت از ولایت به منتهای سیر که ذات اقدس پروردگار است، رهنمون سازند، پس نباید تردیدی به خود راه دهیم که حیات و معاش این کاروان دم به دم با فتاوا و آرای مراجع رونق یافته و در کالبدشان رسوخ کرده است؛ تا حدی که عمل به آنها جزئی از وجود و حیات فرهنگی اجتماع گردیده و هیچ کس تاب مقابله و مقاومت در برابر آن را نداشته است.

از سوی دیگر عصر جدید، عصر ارتباطات و مراودات است؛ بدین معنا که امروزه نه تنها جهان تشیع، بلکه کلیه جوامع بشری گویی به صورت جامعه‌ای واحد در آمده‌اند که از یک سو تا سوی دیگر آن منزلگاهی بیش فاصله نیست. گویا همه در یک شهر زندگی می‌کنند؛ با کمترین تلاش می‌توان به راحتی با افراد مختلف در تماس بود، با آنان ملاقات کرد و از آنان سؤال نمود. دیگر چون گذشته برای روشن شدن آرا و انتظار یک فرد، احتیاجی به تفحص و تجسس، تحمل

مشقات سفر، ارسال قاصد نیک سرشت و مطمئن، و انتظار گذر زمان برای وصول و حصول نیست. آنچه در صبح گفته آید، هنگام عصر بر همه آشکار است. وسایل ارتباط جمعی، دستیابی سریع به چاپ و تکثیر، نشر اخبار آرا و انتظار از طریق رسانه‌هایی چون: تلفن، فاکس، روزنامه و اینک شبکه‌های جهانی، پست الکترونیک و مانند آن سهم به سزایی در این امر داشته‌اند.

این امر از آن جهت در مسئله مورد نظر ما مهم است که اصولاً استفتا و فتوا یک عنصر ارتباطی است که تنها با ملاقات - مستقیم یا غیر مستقیم - با مراجع حاصل می‌آید و بدیهی است که رشد وسایل ارتباط جمعی در وضع کنونی، تأثیر به سزایی در آن نهاده است. اگر تا صد سال پیش اطلاع سریع از رأی سه فقیه، که یکی در قم و دیگری در نجف و سومین در اصفهان در مسند تدریس بودند، برای غالب افراد کاری دشوار بلکه محال می‌نمود، امروزه فردی که کیلومترها از این شهرها فاصله دارد، به راحتی می‌تواند در چند دقیقه، از فتاوا آگاه شود و دیدگاه‌های مختلف را با هم مقایسه کند.

با توجه به این دو نکته، می‌توان به اهمیت بیش از پیش مسائل مرتبط با مرجعیت در زمان کنونی و لزوم پرداختن حوزه‌های علمیه به آنها و حل مشکلات و ارائه راه حل‌های جدید پی برد و چون قبل از اقدام ورزیدن به هر عملی، بررسی زمینه‌های نظری آن ضرورت دارد، لازم است تا در گام نخست به تبیین آن مسائل و راه حل‌های پیشنهاد شده پرداخت.

یکی از مسائلی که بر اثر رشد روزافزون کمی و کیفی حوزه‌های علمیه (به ویژه در زمینه علم فقه) و پیشرفت وسایل ارتباط جمعی پدید آمده است، اختلاف فتاوا بین مراجع و صاحبان فتواست. از سویی، افزایش تعداد مراجع و صاحبان فتوا به دلیل گسترش حوزه‌های علمیه، که خود باعث تنوع و تعدد افکار و انتظار است، و نیز گذر زمان که باعث رشد قدرت استدلال و نظر و بالندگی فکر بشر به

طور روز افزون است، سبب تعدد آرا و انظار در فتاویٰ فقهی و متکثر و پیچیده تر شدن طرح مباحث در فقه شده است؛ به طوری که اینک پرداخت محققانه به کلیه ابواب فقهی به وسیله یک فقیه، با توجه به شرایط موجود، کاری است که عرفاً محال تلقی می‌شود. از طرف دیگر، پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، اختلافات موجود در گذشته را بیشتر در منظر عامه مردم قرار داده و این خود باعث بروز مشکلاتی شده است که قبل از این عصر، با آن مواجه نبوده‌ایم. در گذشته‌ای نه چندان دور، هر فردی به گفتار نزدیک‌ترین عالم بسنده می‌کرد، نه به دلیل این که علاقه‌ای به اطلاع بیشتر نداشت؛ بلکه به این سبب که وسایل وصول به اقوال دیگران، برایش مهیا نبود. اگر فردی در تهران می‌زیست، به زحمت خبری از فتاویٰ علمای نجف یا اصفهان بدو می‌رسید. این امر در قرون ابتدایی عصر اجتهاد برای هر ناظری ملموس و مشهود است. البته مواردی نیز وجود داشته است که به دلیل اهمیت مسئله با ارسال رسایل و قاصدهای ذی صلاح فتاوا از شهری برای شهر دیگر نقل شده است؛ ولی این موارد در مقایسه با موارد خلاف آن اندک‌اند.

بدیهی است نیاز مردم زمان گذشته، برای حل و فصل امور مرتبط با دین، اقتضا می‌کرد تا عالمان هم‌چون طیبیان دوار در سراسر ممالک اسلامی حضور داشته باشند و حوایج معرفتی و شناختی آنان را در کنار مشکلات عملی و سؤالات فقهی مرتبط با روزگارشان بر آورند و به تعبیر دیگر، به استفتائات آنان پاسخ گویند.

اما اینک که همه در محضر هم‌اند، چه بسا تعدد و تقل این آرا، در صحنه عملی، مشکلاتی را برای جامعه واحد اسلام پدید آورد. البته اینک در صدد تبیین مشکلات ناشی از این امر نیستیم؛ بلکه تنها به یکی از نکاتی اشاره می‌کنیم که باعث شده است اندیشه شورای افتا در ذهن اندیشمندان چون علامه شهید

مرتضی مطهری رحمته الله علیه بدرخشد. ایشان در این زمینه می‌نویسد:

اگر شورای علمی در فقاہت پیدا شود و اصل تبادل نظر به طور کامل جامه عمل پیوشد، گذشته از ترقی و تکامل که در فقه پیدا می‌شود، بسیاری از اختلاف فتواها از بین می‌رود. چاره‌ای نیست؛ اگر مدعی هستیم که فقه ما نیز یکی از علوم واقعی دنیا است، باید از اسلوب‌هایی که در سایر علوم پیروی می‌شود، پیروی کنیم. اگر پیروی نکنیم، معنایش این است که از ردیف علوم خارج است.

البته چنین پیشنهادی چه در مقام عمل و چه در مقام نظر، می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلاتی باشد که مورد توجه نقادان بوده و حتی در بعضی موارد نیز انتقادات و اشکال‌ها به چاپ رسیده است و اندیشمندانی در صدد پاسخ‌گویی بر آمده‌اند.

همان طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، کتاب حاضر در صدد تحقیق و بررسی این امر است که آیا می‌توان هیئت اجتماعی فتوا و استفتا را به نحوی پایه‌ریزی نمود که با کمک عنصر شورا و مشورت، دارای شکل و محتوایی واحد یا حداقل قریب به هم شود و از ابراز نظرهای مخالف یا متعارض در زمینه‌های مورد ابتلای مردم جلوگیری کرد؟ و آیا اساساً این امر از دیدگاه فقه شیعی مقبول است؟

کتاب حاضر برای بررسی این امر، ابتدا با نگاهی مستقل به عنصر شورا و مفهوم آن از دیدگاه فقهی، نحوه تحقق شورا در امور مختلف و نیز موارد آن را در آیات و روایات بررسی می‌کند. سپس ضمن پرداختن به ادله باب اجتهاد و تقلید، به اجمال به تاریخچه بعضی مسائل و نیز بررسی سعه و ضیق آن ادله نسبت به بحث شورای فتوا می‌پردازد. در ضمن، صور مختلف شورا نیز مشخص و مقبولیت فقهی آن ارزیابی می‌شود. در این خلال اشکالاتی که به نظریه شده است، مورد کاوش قرار گرفته و ادله‌ای که دلالت بر نوعی الزام به تشکیل شورای فقهی دارد، بررسی شده است.

از مباحثی که می‌تواند در این رساله مورد بحث و فحص قرار گیرد، چگونگی تشکیل شورا، اداره و ادامه کار آن است. از آن‌جا که این امر مربوط به مسائل نسبتاً اجرایی طرح مزبور است و محتاج نظام‌مندی عملی حوزه‌های علمیه است، تنها به بحثی اجمالی و راه‌گشا در خاتمه این رساله اکتفا شده است؛ هر چند تکمیل جدی آن بحث، محتاج مجالی دیگر است.

غرض از تألیف کتاب حاضر طرح این مسئله به نحوی منسجم و بررسی مشکلات، انتقادات و پاسخ‌های آن است و این کار از دو جهت - لاقلاً در ابتدای راه - سخت و دشوار می‌نماید:

اول این که تاکنون رساله مستقل و کاملی در این زمینه به چاپ نرسیده و آن چه در حال حاضر در دسترس است، مطالب پراکنده و بسیطی است که جمع‌آوری و تدوین آنها خود، کاری مستقل را می‌طلبد و چه بسا تکاپوی دست‌یابی به آن مطالب پراکنده در پرداختی منقح به موضوع، و تدبیر و تأمل در حول و جوش مسائل مطرح شده، تأثیری ناشایست داشته باشد.

از طرف دیگر، نگارش در خصوص این موضوع قلمی توانا و نافر ساسی طلبد و جز از صاحبان آن منصب منبع یعنی مراجع و صاحبان فتوا نوعی بزرگ‌گویی تلقی می‌شود، ولی از آن‌جا که طریقت علم و دانش و بحث و نظر همواره بر روی صاحبان آن و جویندگانش گشاده است و علما و مراجع خود پرورش‌دهندگان این قلم‌ها محسوب می‌شوند و همواره خود بر مذاکرات علمی و ترویج و نشر علوم حوزوی اصرار و الحاح داشته‌اند، دست‌ها توان یافته و اراده‌ها در انجام دادن این امور مصمم شده‌اند. امید است که بزرگان با سعه صدر، لغزش‌های نگارنده را به قلم صفای باطن خود تصحیح کنند.

بدیهی است مباحث این کتاب هرگز به عنوان یک راه حل نهایی و برگشت‌ناپذیر تلقی نمی‌شود؛ بلکه عرصه برای پویندگان حقیقت هم‌چنان باز

است. امید است با سعه صدر و فراغت یال آن چه در این مقال آمده است، مورد عنایت جویندگان طریقتِ اصلاح و صلاح قرار گیرد؛ باشد که گامی هر چند کوچک به سوی اهداف عالی مقام معظم رهبری در حوزه های علمیه محسوب شود. در این جا با یادی از شهدای انقلاب اسلامی، آنان که در راه حقیقت فدا شدند تا ما زمینه هایی مساعد برای تحقیق بیابیم، و نیز مراجع و علمای بزرگ تشیع، که این قافله را همواره قائد بوده اند و سر سلسله گوهر مراد امام خمینی کبری^{علیه السلام} و از تمامی آنان که مرا در این امر یاری کرده اند، تقدیر و تشکر می کنم.

و ما توفیقی الا بالله